



## عملیات احیا در استقلال



**عبدالله دارابی:** اگر استقلال مدیریت کاربلدتری داشت پس از استغفای نکونام فرصت طولانی‌ای را بابت استخدام مربی خارجی از دست نمی‌داد و در مدت کوتاهی تکلیف نیمکتش را مشخص می‌کرد تا هم تیم آماده این روزهایش زودتر ساخته می‌شد، هم بازی با ذوب‌آهن را برای چنین روزهایی به تعویق می‌انداخت، هم در جدول عدد ۵ را مقابل تعداد باخت‌هایش نمی‌دید و شاید هم در جدال با النصر و الهلال نتایج بهتری کسب می‌کرد اما چه‌ها نمی‌کند این آفت تاخیر و خسارات ناشی از ناکارآمدی‌ها و عبرت‌هایی که قرار نیست بگیریم!

فقط ۲۰ دقیقه وقت لازم بود تا موسیماهیانه مچ یحیی گل‌محمدی را در ورزشگاه خانگی فولاد بخواباند؛ با تمرکز بر بازی، بدون توجه به حواشی و با بازی گرفتن از داشته‌های موجودش.

پس از شرف و استراماچونی، هیچ یک از سرمربی‌ان استقلال در امر احیای بازیکنان موفق نبودند یا توانایی‌اش را نداشتند اما عملکرد اخیر بعضی از آبی‌پوشان، نوید این مهم را توسط سرمربی استقلال می‌دهد.

رافائل سیلویایی که تا قبل از حضور موسیماهیانه و در زمان مربیگری مجیدی، ساینیتو و نکونام، در حملات استقلال عنصری موثر نشان نداده بود، یکی از آن احیاشدگان است که هم اشتباهات فردی‌اش کاهش یافته و هم در ۲ بازی متوالی مهم در لیگ نخبان و برتر ۲ گل ارزشمند زده است؛ هم با پا و هم با سر. او در دقیقه دوم بازی با یک جاگیری خوب و پرواز فراتر از مدافع فولاد، ساتر موج جلالی را به گل اول تیمش تبدیل کرد.

ماشاریپوف، بلانکو و امیرعلی صادقی؛ ۲ تای اولی در ۲ بازی اخیر نمایشی متفاوت‌تر از قبل داشتند، ماشاریپوف به جای سکنه دادن به حملات تیمی و پاس‌های به عقب بی‌جا، با پاس‌ها و حرکات پا به توپ به‌موقع، روند هجومی را تسریع بخشید. بلانکو بسیار موثرتر از قبل دود، خودی نشان داد و کارساز واقع شد و امیرعلی صادقی (گلزن جوان بازی‌های تدارکاتی) با شوتی تماشایی نخستین گلش را در بازی‌های رسمی به ثمر رساند. گل دوم آبی‌پوشان تهرانی حاصل ضدحمله‌ای سریع و پس از ناکامی فولادی‌ها در استفاده از پاس اشتباه سیدحسین حسینی و همکاری بلانکو و ماشاریپوف و شوت سرکنک صادقی در دقیقه ۲۰ بود.

آبی‌پوشان در نحوه استفاده از ضربات ایستگاهی نیز نسبت به قبل تنوع تاکتیکی داشتند؛ یک حرکت ترکیبی زمینی در استفاده از ضربه ایستگاهی در دقیقه ۱۳ با فرصتی عالی در ۶ قدم میزبان توام شد که البته ضربه آخر استقلال‌ها به دلیل کم‌دقتی به تور نشست.

قبلاً یکی از ضعف‌های استقلال در شروع‌های مجدد از خط دروازه بود که به دفعات منجر به لو رفتن توپ زیر پرس حریفان می‌شد ولی در این بازی، این نقیصه تا حدود زیادی رفع شده بود، آنها حتی دقیقه ۶۷ در پی یکی از این شروع مجدد‌ها توانستند با چند پاس زمینی در جناح چپ‌شان، ضمن مهار پرس شاگردان گل‌محمدی، توپ را به بلانکو برسانند که حرکت با توپ و فرار او در خط طولی زمین با پاس عرضی‌اش در ۱۸ قدم تیم فولاد به صادقی همراه شد ولی این بازیکن جوان قدر این فرصت را ندانست.

استقلال‌ها در ضدحملات منسجم‌تر و با برنامه‌تر از قبل بودند؛ علاوه بر گل دوم‌شان، دقیقه ۴۲ نیز از همین طریق به گل رسیدند که بازیکنی داور حکم به رد آن داد و دقایق ۸۴ و ۸۶ هم صاحب ۲ فرصت گلزنی شدند که یکی را رامین رضاییان به آسمان زد و دیگری با تعلق روزه چشمی توسط دفاع فولاد دفع شد.

فولادی‌ها که در نیمه دوم برای جبران گل‌های خورده جلو کشیده بودند حملات متعددی را روی دروازه میهمان خود تدارک دیدند که چند واکنش دیدنی حسینی، هوشیاری مدافعان استقلال و بعضاً ضربات بد خود فرمزپوشان اهوازی، مانع فروریختن دروازه استقلال شد؛ گویا خودشان نیز زور لازم برای باز کردن سنسگر آبی‌پوشان را نداشتند و نتوانستند مانع حفاظت رقیب تهرانی از گل ۲ زده‌اش بشوند. شاگردان موسیماهیانه در دفاع، ضدحمله، چرخش توپ، تعویض زمین بازی، شروع مجدد از محوطه جریمه خودی، عملکرد فردی و تیمی و صرف فعل خواستن، تفاوت‌های محسوس با قبل داشتند که نشان تاثیر سرمربی خارجی‌شان است اما استمرار موفقیت و رسیدن به نقطه مطلوب مستلزم کار بیشتر و تکرار مداوم است، زیرا در فوتبال‌یست‌های ایرانی ۳ نقیصه نهادینه شده است:

۱- اشباع زود هنگام  
۲- هیجان‌زدگی زودرس (که موسیماهیانه این را بخوبی و زود دریافته است)  
۳- فراموشی؛ تا جایی که بعضاً بازیکنان فوتبال خود را نیز از یاد می‌برند و باید مجدداً شرح وظایف را به آنها دیکته کرد. آنچه از سیدابوالفضل جلالی که در جام جهانی بازی کرده، در نیمه دوم دیدیم تلور همین نقایص است؛ او در این نیمه چنان منفعل بود که سمت چپ تیمش به اتوبان فولادی‌ها تبدیل و باعث فشار بر خط دفاع تیمش شد. هنگام حملات نیز از تعقیب توپ‌هایی که برایش ارسال می‌شد خودداری می‌کرد و زحمت دنبال کردن آن تا آخرین لحظه را به خود نمی‌داد و در هر ۲ حالت، فشارش را کل تیم متحمل شد.

## استقلال و موسیماهیانه؛ یک قصه از جنس تحول

## گام‌یک به لیگ



**مهدی مرسلی:** آنچه این روزها در استقلال رخ داده، فراتر از یک تغییر ساده در نتایج است. گویی استقلال به فرماندهی پیستو موسیماهیانه، دوباره خود را از نو تعریف کرده است؛ یک انقلاب بی‌صدا اما تأثیرگذار. آنچه اکنون هواداران را به وجد آورده، نه فقط گل‌ها و پیروزی‌ها که نظمی است که در هر حرکت، در هر پاس و در هر بازپس‌گیری توپ موج می‌زند. تیمی که انگار با هر نبض زمین نفس می‌کشد، تیمی که از کاستی‌ها عبرت گرفته و حالا به سوی رویایی بزرگ‌تر می‌تازد.

■ از آشفتنگی تا پرس شدید  
استقلال، تیمی که در آغاز فصل با آشفتنگی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، حالا شبیه تیمی شده که می‌داند چه می‌خواهد و چگونه باید به آن برسد. نخستین چیزی که به چشم می‌آید، همان پرس شدید و هماهنگی عجیب بازیکنان است. تیمی که به محض از دست دادن توپ، مثل موجی سهمگین به سمت حریف می‌تازد تا آنچه را از دست داده، بازپس گیرد. موسیماهیانه این روش را در استقلال نهادینه کرده و به کمک آن، نقشه بازی‌اش را بازنویسی کرده است.

■ سیستم ۴-۳-۳؛ شاید چیزی فراتر از آن!  
موسیماهیانه فقط به پرس اکتفا نکرده؛ او سیستم تیم را با دقتی جراحی‌شده تغییر داده است. با استفاده از سیستم ۴-۳-۳، استقلالی ساخته که هم در خط حمله پر تعداد و تهاجمی است و هم در دفاع، نظم را به خط آخر بازگردانده. بازیکنانی چون امیرعلی صادقی در کنار بلانکو، وظایف جدیدی یافته‌اند و از بازیکنانی مانند رضاییان و جلالی، فشار دفاعی کاسته شده تا بیشتر به جلو بیندیشند.

■ گل‌ها از فاصله دور؛ ضربه‌هایی به قلب حریف  
این استقلال، تیمی نیست که برای گلزنی نیاز به معجزه داشته باشد. ضربات از راه دور، همانند تیرهایی که ناگهان قلب حریف را می‌شکافد، حالا بخشی از استراتژی استقلال شده است. تیمی که بازیکنان مقابل الاهلی و فولاد، این روش را به کمال رساند و نشان داد برای گل زدن نیازی به خلق ده‌ها موقعیت نیست.

■ ماشاریپوف؛ از سایه تا ستاره شدن  
شاید هیچ‌کس به اندازه جلال‌الدین ماشاریپوف تجسم این تغییرات نباشد. بازیکنی که در ماه‌های

نخست حضورش در استقلال، بیشتر به سوژه انتقادات شباهت داشت تا یک ستاره واقعی اما موسیماهیانه جایگاه او را تغییر داد؛ ماشاریپوف را از گوشه‌های تاریک زمین به قلب تیم آورد و به او آزادی عمل داد. او حالا نه فقط در یک پست، بلکه در تمام عرض زمین می‌درخشد. با پاس‌ها و حرکاتش، ماشین خلق موقعیت استقلال شده و همین پاس‌های دقیق و حرکات هوشمندانه، استقلال را به تیمی مرکباتر بدل کرده است.

■ بلانکو و سیلوا؛ بازگشت خارجی‌ها به اوج  
گوستاوو بلانکو، مهاجمی که تا چندی پیش هدف انتقادهای بود، حالا در ک کرده چگونه می‌تواند با حرکات

هوشمندانه و ایجاد فضا، به تیمش کمک کند. در کنار او، رافائل سیلوا نیز نه تنها در خط دفاع دوباره متولد شده، بلکه با ۲ گل حیاتی برابر الاهلی و فولاد، مهر خود را بر نتایج اخیر استقلال زده است. بازیکنی که با هر تکل و هر قطع توپ، این پیام را می‌دهد که استقلال دیگر آن تیم پراشتباه و آشفته نیست.

■ نظم دفاعی؛ سنگری که دوباره ساخته شد  
شاید مهم‌ترین دستاورد موسیماهیانه، بازسازی خط دفاع استقلال باشد. تیمی که زمانی بدترین خط دفاع لیگ را داشت، حالا با ثبت ۳ گلین شیت در ۴ بازی اخیر، به تیمی مستحکم بدل شده است. حتی گل‌های خورده

اخیر نیز از روی نقطه پنالتی بوده‌اند؛ دفاعی که نه تنها وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهد، بلکه به پایه‌ای برای حملات تبدیل شده است.

■ رویای قهرمانی؛ نزدیک‌تر از آنچه فکر می‌کردیم!  
استقلال هنوز در ابتدای راه است اما نشانه‌ها دلگرم‌کننده‌اند. اگر این روند ادامه یابد، شاید استقلالی که تا همین چند هفته پیش از کورس قهرمانی دور بود، دوباره در میان مدعیان قرار گیرد. موسیماهیانه نشان داد توانایی تبدیل آشفتنگی به نظم و رویا به واقعیت را دارد. برای هواداران استقلال، شاید تعبیر این رویا خیلی هم دور نباشد؛ رویایی که هر بازی بیشتر به آن نزدیک می‌شوند.

## موسیماهیانه مچ گل‌محمدی را در اهواز خواباند

## پیش به سوی موفقیت

پیدا می‌کند. شاید نیاز بود در این بازی اسلامی غایب اجباری باشد تا صادقی که سال‌هاست در بازی‌های تدارکاتی بهترین روزن خود را نشان داده و هیچ‌گاه مورد اعتماد مربیان سابق نبوده، با تفکر شجاعانه موسیماهیانه، فیکس میدان شود و آن شوت استثنایی را وارد دروازه تیم میزبان کند.

استقلال با موسیماهیانه رفته‌رفته به روزهای اوجش بازمی‌گردد و اعتماد به نفس به این تیم بازگشته است. استقلالی که باخت‌های عجیب و سنگینی را مقابل تیم‌های ضعیف ذوب‌آهن و خیبر خرم‌آباد تجربه کرد و مشکل گلزنی داشت، حالا در ۲ بازی متوالی ۴ گل به ثمر رسانده و خط دفاعی‌اش توانسته نمره قبولی بگیرد. شاید بزرگ‌ترین ضعف تیم موسیماهیانه اشتباهات فردی بازیکنانش بود که به راحتی با یک خطای ساده به حریف پالتی هدیه می‌دادند یا بازیکنی به ساده‌ترین شکل اخراج می‌شد. در دیدار برابر فولاد اما آبی‌ها نه اشتباه فردی داشتند و نه اجازه بحران زده در دست‌های پیستو موسیماهیانه شفا بگیرد، چرا که همه از آن قطع امید کرده بودند اما سرمربی آفریقایی بخوبی راه درمان بیماری آبی‌ها را پیدا کرده است. حالا استقلال باید نخستین گام خود را در رقابت‌های جام حذفی نیز بردارد؛ دیداری که چهارشنبه بیست و یکم آذر مقابل مس کرمان برگزار می‌شود.

نیمه دوم فولاد هر چه تلاش کرد قفل دروازه استقلال را باز کند، بی‌بهره و بی‌ثمر بود. بازی طوری پیش رفت که حتی اگر بازیکنان میهمان دقت بیشتری می‌کردند، موقعیت‌های تک به تک را می‌توانستند به گل تبدیل کنند. به هر حال استقلال شنبه‌شب با تکلین شیت در فولاد آرن‌ا و با ۲ گل تیم گل‌محمدی را شکست داد و تا رده هشتم جدول صعود کرد. اما نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، تغییر نگرش موسیماهیانه و تغییر سبک بازی استقلال توسط او است. موسیماهیانه با استفاده از بازیکنان جوان و حتی بهره‌گیری درست از بازیکنانی که پیش از این همواره مورد انتقاد هواداران بودند، حالات تبدیل به یک مربی موفق شده است.

هواداران استقلال که در فصول اخیر از حضور آرش رضواند در این تیم گله‌مند بودند و بازی او را نمی‌پسندیدند، حالا موقع خروج این بازیکن از زمین، به تشویق وی می‌پردازند. حالا هواداران این تیم به این باور رسیده‌اند که بازیکن متوسط هم می‌تواند در کنار مربی باهوش عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته باشد. حالا رضواند تبدیل به یک بازیکن موثر در استقلال شده که درصد پاس‌های صحیحش بالاتر از هم‌تیمی‌هایش است. در کنار رضواند باید به اضافه شدن امیرعلی صادقی به ترکیب اصلی تیم هم اشاره کنیم که به جسارت و دقت و هوش موسیماهیانه ارتباط

**زهره فلاح‌زاده:** تیم استقلال شنبه‌شب در ورزشگاه «فولاد آرن‌ا» به مصاف فولاد خوزستان رفت. آبی‌های پایتخت که خبر شکست رقیب دیرینه‌شان یعنی پرسپولیس را شنیده بودند، به دنبال پیروزی مقابل تیمی بودند که سپاهان را در فولاد آرن‌ا متوقف کرده و ترانکوور صدرنشین را در تریز شکست داده بود. به نظر می‌رسید بازی برای استقلال سخت و پرفشار باشد اما شاگردان موسیماهیانه خیلی زود و در دقیقه ۲ با ضربه سر رافائل سیلوا به گل رسیدند. سیلوا درست مثل بازی قبلی استقلال مقابل الاهلی عربستان در لیگ نخبان آسیا، باز هم برای تیمش گلزنی کرد تا سرمربی آفریقایی را مجرب به ماندنش کند.

فولادی‌ها جسته و گریخته حملاتی داشتند اما درخشش سیدحسین حسینی مانع گلزنی آنها می‌شد. استقلال در ادامه از فرصت‌های جلو کشیدن تیم فولاد بخوبی استفاده و چندین موقعیت هم خلق کرد که در یکی از این فرصت‌ها دقیقه ۲۰ و این بار امیرعلی صادقی، بازیکن جوان و کمتر میدان دیده آبی‌ها با شوت زیبایی گل دوم را برای آبی‌پوشان به ثمر رساند. استقلالی‌ها در لحظات پایانی نیمه اول حتی به گل سوم هم رسیدند اما بازیکنی صحنه توسط داور و مشخص شدن خطای هند بازیکن استقلال گل مرود اعلام شد تا شاگردان گل‌محمدی با شکست سنگین به رختکن روند.

## گاریدو و پرسپولیس

## بحران یا بهانه؟

مدیرعامل هم مجبور به رفتن می‌شود. این بازی، اوج سیاست‌ورزی است. حفظ گاریدو، ابزاری برای رسیدن به تغییرات مدیریتی است.

اما آیا این رویکرد، به نفع باشگاه است؟ پرسپولیس الان در وضعیتی است که هر تصمیم اشتباهی، می‌تواند قهرمانی‌ها و آینده‌اش را تحت‌الشعاع قرار دهد. اصلی این نیست که چرا عیسی آل‌کثیر دروازه خالی را نمی‌زند. این دیگر درباره یک مهاجم جوان و آینده‌دار نیست. عیسی روزهای پایانی فوتبالی‌اش را سپری می‌کند و از نظر روحی- روانی هم در افت شدید است. مسأله این نیست که چرا صادقی و سلمانی از ترکیب محو شده‌اند یا چرا وحید امیری دارد خودش را برای گاریدو قربانی می‌کند. مسأله این است که تیم دیگر آن انسجام و اعتماد به نفس همیشگی را ندارد. گاریدو به نقطه‌ای رسیده که جایگاهش به‌شدت متزلزل است. اما اگر مدیریت بخواد روی حفظ او قمار

**مهدی طاهرخانی:** حالا پرسپولیس در دوراهی سختی گیر کرده است. بعد از برد سخت و عجیب مقابل الشرطه، برخی صریحاً گفتند: «گاریدو باید برود». اما مخالفان تغییر، از وضعیت خوب تیم در لیگ دفاع کردند. استدلال‌شان ساده بود: «با حضور در صدر جدول چه نیازی به تغییر داریم؟» در ظاهر حرف‌شان منطقی است اما آیا آینده‌نگری در این نگاه وجود دارد؟ حالا سؤال این است: ۲ شکست دیگر کافی است تا گاریدو رفتنی شود؟ شاید هم او یکبار هم ۶ برد متوالی بیاورد و همه معترض‌ها را شرمند کند اما مسأله اصلی چیز دیگری است. چرا بعضی‌ها به این شدت به حفظ گاریدو اصرار دارند؟ پاسخ روشن است: هدف اصلی این افراد گاریدو نیست؛ درویش است.

برای گروهی از منتقدان، اخراج مدیرعامل باشگاه اولویت دارد. اینها می‌دانند اگر گاریدو بماند و نتایج بدتر شود، فشار روی مدیریت بالا می‌رود و در نهایت،

کند، باید نسبت به هزینه‌های این تصمیم آگاه باشد. این هزینه‌ها فقط شکست مقابل نساجی بحران‌زده یا نمایش ضعیف در لیگ نیست. این هزینه، آینده باشگاه و اعتماد هوادارانی است که دیگر نمی‌خواهند شاهد ناکامی‌های یک دهه‌ای باشند.

حامیان گاریدو هم بازی خودشان را بلدند. آنها می‌دانند حفظ او می‌تواند فشار را به سمت مدیریت هدایت کند اما این بازی خطرناک است، چرا که اگر گاریدو برود و نتایج همچنان تغییر ی نکند، دیگر همه نگاه‌ها به مدیرعامل خواهد بود.

پرسپولیس امروز بیش از هر زمان دیگری به تصمیمی شجاعانه و قاطع نیاز دارد. باید روشن شود این تیم، قرار است به قله بازگردد یا در مرداب بحران‌های مدیریتی و تاکتیکی غرق خواهد شد. این تصمیم هر چه باشد، باید حالا گرفته شود. فردا ممکن است برای هر کاری، دیر باشد.



[آس]

آچار انگلیسی



[گازتا]

ساوای موتا



[موندودوپورتوو]

یک هدیه دیگر



[مارکا]

جود، مادرید را به دوش می‌کشد



[اسپورت]

حضور لامین هم کافی نبود

